

«آمریکایی دیگر»: تصاویر ساخته شده با هوش مصنوعی از دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی^۱

نویسنده: علی نجات‌بخش اصفهانی^۲ *

* کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه تهران

فیلیپ تولدانو^۱ غالباً برای تصور آینده، مرزهای عکاسی را جابجا کرده است. او هم‌اکنون از هوش مصنوعی، برای ساخت گذشته‌های جایگزین استفاده می‌کند و باور ما به هر تصویری را به چالش می‌کشد. فیلیپ تولدانو علاوه بر کارهای مستند مبتنی بر واقعیتش، چندین سال آثاری با جزئیات و واقع‌گرایانه از چشماندازهای ویران‌شهری را با استفاده از عکاسی ایجاد کرده است. جهان‌های خیالی او اغلب نیاز به چیدمان دارد و مستلزم همکاری با هنرمندان چهره‌پرداز^۲، متخصصان پروتز، طراحان لباس، بازیگران و سیاه لشکرها، نورپردازان، فیلم‌برداران و همچنین پرداخت‌های خلاقانه پس‌تولید^۳ است. او اکنون با استفاده از هوش مصنوعی در حال تصویرسازی گذشته‌های جایگزین برای پروژه جدیدش، «آمریکایی دیگر» است. در این مصاحبه، جیم کسپر^۴ از سایت *لنرکالچر*^۵ با تولدانو در مورد پروژه جدیدش و تغییر روش، از خلق اثر با دوربین به استفاده از فرمان‌های متنی^۶ صحبت می‌کند. این متن نسخه ویرایش شده گفتگوی آنها است.

^۱ Another America — AI-Generated Photos from the 1940s and 50s

^۲ Email: nejatbakhshali@ut.ac.ir

آمریکای امروز، تاریخ و حقیقت چیزی است که مردم خودشان انتخاب می‌کنند. چیزی که در مورد هوش مصنوعی شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد، این است که اکنون می‌تواند شواهدی برای دروغ‌ها ارائه دهد و این شواهد قانع‌کننده‌اند. به نظرم رسید جالب است که با استفاده از هوش مصنوعی، تاریخ کاملاً جایگزینی از آمریکا را بازآفرینی کنم. تاریخی که از دیدی جامعه‌شناسانه روایت شود و با داستان‌هایی همراه باشد که ظاهری واقعی به آن بدهند. از همان جا بود که پروژه تازه‌ام، آمریکایی دیگر، شکل گرفت.



شکل ۱. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.

جیم کسپر: می‌توانید بگویید چرا تصمیم گرفتید این پروژه را در آن دوران خاص تعریف کنید؟

فیلیپ تولدانو: من دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ را انتخاب کردم، چون آن دوران آخرین زمانی بود که عکس‌ها هنوز واقعی به نظر می‌رسیدند. عکس‌ها صداقت داشتند، موافقت؟ مثلاً شما به عکسی از دهه ۴۰ یا ۵۰ میلادی نگاه می‌کنید و چون از قبل با چنین تصاویری آشنا هستید، اکنون این تصویر را درست در نظر می‌گیرید، همین دلیلی است که این پروژه در آن دوره قرار دارد. تصاویر این مجموعه از چیزهایی کاملاً خیالی تا صحنه‌هایی که می‌توانند واقعی به نظر برسند، در نوسان‌اند و من می‌خواستم همه این مرز میان خیال و واقعیت را نشان دهم.

نکته دیگری که به نظرم درباره این پروژه اهمیت دارد این است که در بستر تاریخ، نزدیک به صد سال با تصاویری روبه‌رو بوده‌ایم که همواره به عنوان حقیقت پذیرفته شده‌اند، اما حالا، به پایان آن دوران رسیده‌ایم.

جیم کسپر: مدتی است که هوش مصنوعی را زیر نظر دارم و سعی می‌کنم به عواقب آن برای عکاسی و عکاسان فکر کنم. این کار جدیدی که انجام می‌دهید خیلی احساسات من را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین مشتاقم که با شما گفت‌وگو کنم تا درباره آن بیشتر بیاموزم. می‌توانید بگویید این پروژه در چه مرحله‌ای است و روی چه بخش‌هایی کار می‌کنید؟

فیلیپ تولدانو: خب، در پنج یا شش سال گذشته من روی پروژه‌ای-غیرمرتبط با هوش مصنوعی-کار می‌کردم به نام «ایالات متحده توطئه‌ها»^۱، زیرا علاقه داشتم بدانم که چگونه در طول سال‌های ریاست جمهوری ترامپ، توطئه‌ها در آمریکا از یک اقلیت در سایه به جریان اصلی منتقل شدند. این واقعاً من را مات و مبهوت می‌کند که چگونه درصد زیادی از مردم به چیزهایی اعتقاد دارند که درست نیستند و در دنیایی زندگی می‌کنند که کاملاً با دنیایی که من در آن زندگی می‌کنم متفاوت است. بنابراین من چهار یا پنج سال گذشته را صرف بازسازی دنیایی کردم که آنها در ذهن خود ساخته بودند و در آن زندگی می‌کردند. سپس با ظهور هوش مصنوعی، من شروع به فکر کردن به این ایده کردم که در

شفاهی بازگشته‌ایم، جایی که دیگر نمی‌دانیم چه چیزی حقیقت دارد و چه چیزی نه. باور به تصویر به عنوان نشانه حقیقت از میان رفته و این همان کاری است که هوش مصنوعی انجام داده است.

جیم کسپر: شما اغلب دنیاها را در کار خود ایجاد کرده‌اید، اما این بار مجبور شده‌اید همه جزئیات را از ابتدا بسازید. کار با این ابزار جدید چگونه بوده است؟

فیلیپ تولدانو: هوش مصنوعی واقعاً حیرت‌انگیز است. در پروژه قبلی‌ام -ایالات متحده توطئه‌ها- هر عکس بر پایه یک نظریه توطئه شکل می‌گرفت، درست است؟ برای هر تصویر ابتدا باید یک عکس پس‌زمینه می‌گرفتم، سپس با یک طراح گرافیک همکاری می‌کردم تا برای آن نظریه، هویت بصری بسازم و بعد آن را در ترکیب نهایی جای می‌دادم.



شکل ۳. فیلیپ تولدانو، از پروژه ایالات متحده توطئه‌ها.

هوش مصنوعی از برخی جهات خیلی خاص نیست اما به شما این امکان را می‌دهد که این دنیای واقعاً کامل را به گونه‌ای بسازید که من قبلاً هرگز قادر به انجام آن نبوده‌ام. بنابراین من می‌توانم نسخه جدید آمریکای دهه ۱۹۵۰ را با آدم‌ها، شخصیت‌ها، بلاها، وقایع و حوادث ناگوار خلق کنم و



شکل ۲. فیلیپ تولدانو، عید پاک سال ۱۹۴۶، تماس‌ها از حدود ساعت شش و نیم صبح به اپراتورهای تلفن و ایستگاه‌های پلیس سرازیر شد. این مسئله، پیش از راه‌اندازی سامانه ۹۱۱ بود. صداهایی گیج‌کننده و آمیخته با وحشت از پشت خط می‌آمد: «آن صدا چه بود؟ آن انفجار از کجا آمد؟» ساختمان ده طبقه سینتفلد^۱ در یک گودال عظیم فرو ریخته بود؛ گودالی که بعضی‌ها می‌گفتند بیش از صد فوت عمق دارد. گزارش رسمی علت را «فرونشست زمین بر اثر آب‌های زیرزمینی رود اوهایو» اعلام کرد. اما ۵۵ سال بعد، طبق قانون آزادی اطلاعات، روزنامه سینسیناتی/انکوابیر^۲ اجازه یافت گزارش وزارت دفاع درباره آن حادثه را بررسی کند. در آن پرونده آمده بود که اداره تحقیقات فدرال مدتی فلویید بائر^۱، فیزیک‌دان و مخترعی با رفتار عجیب را زیر نظر داشت؛ او کسی بود که مدتی کوتاه روی پروژه «منهتن»^{۱۱} کار کرده بود و مدعی بود در حال آزمایش خودرویی با انرژی هسته‌ای است. بائر از طریق ارتباطاتی در اتحاد جماهیر شوروی توانسته بود مقدار اندکی اورانیوم به دست آورد. مأموران دفتر خدمات استراتژیک و پلیس فدرال در آستانه بازداشت او بودند که انفجار رخ داد. امروز، در همان محل، باشگاه ورزشی پلنت فیتنس^{۱۲} قرار دارد؛ با یک شعبه چیزیک فکتوری^{۱۳} در طبقه هم‌کف. متن: جان کینی.^{۱۴}

منظورم این است که اگر تاریخ بشر را در مقیاسی بزرگ نگاه کنیم، عکاسی تنها بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد. برای هزاران سال، انسان‌ها روایت‌هایشان را سینه‌به‌سینه منتقل می‌کردند، و نوشتار فقط در دست گروه کوچکی از مردم بود. حالا دوباره به همان وضعیت گفتار

ساختن چیزهایی فیزیکی که بتوانید نور را روی آنها بتابانید و با دوربین ثبتشان کنید تا آن توهم واقعیت را خلق کنید، متحمل سختی بسیاری شدید، ولی اکنون دیگر لازم نیست این کار را انجام دهید. فکر می‌کنم می‌توانید فقط چند دستور بسیار هوشمندانه و مستقیم را بنویسید و همان طور که می‌گویید، کمی صبر کنید تا به چیزی که می‌خواهید برسید.

فیلیپ تولدانو: خب، منظورم این است که هوش مصنوعی آسان است، اما شما هنوز نیاز به یک ایده دارید و این ایده باید خوب باشد که با آن شروع کنید. نکته جالب در مورد هوش مصنوعی که من متوجه شدم این است که از برخی جهات، باید آگاهانه‌تر از زمانی که در حال عکاسی هستید به آن فکر کنید. به عنوان مثال، اگر با هوش مصنوعی در حال ساخت یک عکس هستم، باید فکر کنم چه کسانی در تصویر باشند، چطور دیده شوند، چه احساسی در چهره‌شان جلوه‌گر شود. از چه قومیتی هستند؟ هوا چگونه است؟ زاویه دید دوربین چیست؟ من در مورد استفاده از چه لنزی باید استفاده کنم؟ تصویر سیاه و سفید است یا رنگی؟ آیا این رنگ برای این دوره خاص مناسب است؟

شما فقط برای تهیه مواد اولیه درست، باید به همه این موارد فکر کنید. من سال‌هاست عکاس و هنرمندم و تاریخ عکاسی را هم خوب می‌شناسم؛ همه آنچه در این سال‌ها آموخته‌ام و به واسطه عکاسانی که به مدت ۲۰، ۳۰ سال آنها را دنبال کرده‌ام، به من کمک می‌کند تا این جزئیات را درک کنم. همه این‌ها در چیزی که من می‌آفرینم ظاهر می‌شود.

جیم کسپر: خوب، مطمئناً. این تجربه شماست و داشتن همه ارجاعات-ارجاعات تاریخی و

به آن این واقعیت ببخشم که برای من خارق‌العاده بود؛ بنابراین بسیار هیجان‌انگیز بوده است.

اما نکته جالب در مورد هوش مصنوعی این است که ساختن چیزهای خوب، بسیار آسان است، اما ساختن چیزهای عالی، بسیار دشوار است. مثلاً ساختن تصویری از دونالد ترامپ یا پاپ در یک کلوب شبانه در چند ثانیه انجام می‌شود، اما اگر بخواهید تصویری کمی سوررئال یا نامعمول بسازید، باید ساعت‌ها یا حتی روزها با جزئیات کار کنید، درست مثل تراشیدن چوب، تا بالاخره به چیزی برسید که به خواسته‌تان نزدیک است و باید با این حد از انعطاف کنار بیایید.



شکل ۴. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.

جیم کسپر: شما در برخی از کارهای قبلی خود در زمینه عکاسی بسیار سخت کوشیدید تا چیزهایی بسازید که واقعی به نظر می‌رسید، در حالی که خیالی و یا ساختگی بودند. شما همه این تغییرات را پذیرفتید و سعی کردید به تصویر بکشید که چه می‌شد اگر زندگی من این گونه بود؟ چه می‌شد اگر زندگی من آن گونه بود؟ و برای



شکل ۵. فیلیپ تولدانو، فیلیپ پیر در دیسکو، از پروژه شاید.

تشبیهی که من برای کار با هوش مصنوعی به کار می‌برم همانند کار کردن با یک آدم با استعدادِ مست است. بنابراین چیزی که اتفاق می‌افتد، این است که شما فقط «پاپ در یک کلپ شبانه»، «پوشیدن یک ژاکت پف‌کرده» را تایپ کنید-مانند همان عکسی که در فضای مجازی وایرال شد-انجام این کار بسیار آسان است. اما برای مثال، اگر بخواهید چیزی بسازید شبیه کارهایی که من تا حالا انجام داده‌ام، معمولاً حالت سوررئال یا کمی انتزاعی پیدا می‌کند و آن موقع باید هوش مصنوعی را تا حدی رام کنید. شما باید به نوعی آن را به انجام کاری که می‌خواهید، سوق دهید. زمان زیادی طول می‌کشد تا به چیزی که می‌خواهید برسید. اغلب باید بپذیرید که نتیجه هیچ وقت دقیقاً صد در صد آن چیزی که در ذهن دارید، نخواهد شد. شاید ۹۸ درصد شبیه آن باشد و یا گاهی برعکس؛ چیزی به شما پیشنهاد می‌دهد که ده درصد فراتر از صورتان است و در آن صورت حتی ممکن است بهتر هم باشد.

جیم کسپر: صحیح. لطفاً در مورد برخی از شگفتی‌هایی که موقع کار مواجه شده‌اید بگویید.

ارجاعات هنری-و سپس خلاقیت و دیدگاه خودتان، ترکیب می‌شوند تا چیزی را بسازید که منحصرأ متعلق به شماست. هیچ کس نمی‌تواند به چیزهایی برسد که شما به آنها رسیده‌اید. اما آیا این مسئله به همان اندازه برای شما رضایت‌بخش است؟ حدس می‌زنم کاری که انجام می‌دهد این است که نقش و هویت شما را بیشتر به یک داستان‌گوی تصویری تغییر می‌دهد که همیشه بوده‌اید، اما شما را بیشتر در موقعیت کارگردان قرار می‌دهد تا عکاس؛ کسی که واقعاً نگران پردازش تصویر است تا ثبت فیزیکی آن. آیا برداشت من منطقی هست؟

فیلیپ تولدانو: کاملاً منطقی است. ولی جوابم هم بله هست و هم نه. کاملاً حق با شماست به عنوان مثال، در پروژه «شاید»^{۱۵}، زمانی که من انواع و اقسام احتمالات را برای آینده خود و نسخه‌های آینده خود تصور می‌کردم، به نوعی به عنوان کارگردان نیز ایفای نقش می‌کردم، زیرا صحنه و روند عکاسی را تنظیم می‌کردم، اما پس از آن سوژه عکس شدم. بنابراین افراد دیگری در حال ثبت آن تصاویر از من بودند. دستیاران من همان جا بودند و من هم آن روند را کارگردانی می‌کردم.

فیلیپ تولدانو: خوب، برای مثال، من واقعاً شیفته این ایده شدم که موجوداتی را بخشی از جهان کنم. آنها موجوداتی آگاه و دارای احساس هستند، درست است؟ و من تمام این کار را با موجودات میمون‌مانندی که از آزمایشگاه فرار کرده بودند و در نیویورک بی‌خانمان شده بودند، انجام دادم و یک داستان کامل برای آن نوشتم و آنچه برای من شگفت‌انگیز است، انسانی است که در تصاویر، در خود حیوانات آشکار است.



شکل ۶: فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.

می‌خواستم تصویری از یکی از موجودات شبیه میمون را در یک کوچه بسازم که دراز کشیده و ژولیده به نظر می‌رسد و این یکی از آن مواقعی است که هوش مصنوعی من را شگفت‌زده کرد: این موجود کت و شلوار و جلیقه معمولی پوشیده بود، اما هنوز پاهای برهنه و پشمالوی میمون را داشت. من تشریح نکرده بودم، ولی هوش مصنوعی خودش به این نحو ساخت...

جیم کسپر: بله. بنابراین چیزی غیرمنتظره وجود داشت که شما را در این روند شادمان کرد.

فیلیپ تولدانو: دقیقاً. و اغلب این کار را انجام می‌دهد، اما می‌تواند ناامیدکننده هم باشد. برای مثال، ماه‌هاست که تلاش می‌کنم تا از هوش مصنوعی بخواهم اسبی را که روی مردی افتاده و او را در خیابان له می‌کند، ایجاد کند، اما نمی‌تواند این کار را انجام دهد، زیرا حدس می‌زنم که نمی‌تواند آن را بفهمد. ولی جالب است؛ تقریباً مانند یک بازی فکری است، مانند بازی کلمات. قیاس دیگری که می‌کنم، این است که به نوعی شبیه گندالف^۶ (شخصیتی تخیلی و قهرمان در رمان‌های هاییت و ارباب حلقه‌ها) است. شما باید طلسم‌ها را بلد باشید، اما سپس باید ترتیب صحیح کلمات را نیز بدانید تا جادو عمل کند. گاهی اوقات باید تلاش کنید، کلمات را دوباره مرتب کنید و شروع به فهم نحوه ادراک هوش مصنوعی می‌کنید، زیرا ترتیب کلمات و آنچه برای تأکید بر آن، انتخاب می‌کنید است که باعث می‌شود، چیزها به شکلی که شما می‌خواهید، ظاهر شوند.

جیم کسپر: بنابراین نوعی سلسله‌مراتب یا نحو زبانی است...

فیلیپ تولدانو: بله، این علم «نحو» است. من آن را واقعاً جذاب می‌دانم، زیرا از این نظر بسیار باهوش است. گاهی اشتباه می‌کند و نتایج عجیبی می‌سازد، که واقعاً جالب است. فکر می‌کنم در پنج یا شش ماه یا یک سال آینده، دیگر آن اشتباهات را مرتکب نخواهد شد و اتفاقاً همین اشتباه‌ها الان برای من جذاب هستند.

جیم کسپر: بله. من افرادی را می‌شناسم که در حال جمع‌آوری تصاویر اولیه هوش مصنوعی از افراد با سه انگشت و مواردی از این دست هستند، زیرا این خطاها به زودی برطرف می‌شود و آن ناهنجاری‌ها از بین می‌رود.

ببینید چطور می‌توانیم با این فناوری، تاریخی بسازیم که هرگز اتفاق نیفتاده، آن هم به شکلی کاملاً باورپذیر. به نظرم ما، چه به عنوان یک گونه و چه به عنوان یک جامعه، باید راه تازه‌ای برای درک اینکه چه چیزی واقعاً درست است و چه چیزی نیست، پیدا کنیم. یا ممکن است وارد برهه‌ای از تاریخ شویم که می‌پذیریم دیگر حقیقت بصری وجود ندارد.

جیم کسپر: که بسیار وحشتناک است.

فیلیپ تولدانو: نمی‌دانم، شاید همین‌طور باشد. حدس می‌زنم وحشتناک باشد. اما اگر به آنچه قبلاً دربارهٔ زمینهٔ تاریخ بشر گفتم فکر کنید، می‌بینید که آدم‌ها هزاران سال با همین وضعیت زندگی کرده‌اند، با همان ایدهٔ «نقل دهان به دهان» اینکه «شنیدم فلان چیز اتفاق افتاده». صادقانه بگویم نمی‌دانم گفتگوها ۲۰۰۰ سال پیش چگونه بوده است. احساس می‌کنم شاید دوباره به همان نقطه برگردیم.

جیم کسپر: من احساسات متناقضی در مورد هوش مصنوعی دارم. از یک طرف، کاملاً شگفت‌زده و خوشحالم از این قابلیت جدید، جل‌الخالق! شگفت‌انگیز است، و در عین حال، از فقدان حسِ قدردانی نسبت به آثار واقعی عکاسی، اندوهگینم. من به سلف‌پرتره‌های سینمایی ^{۱۷}شرم می‌کنم، و به گرگوری کروودسون^{۱۸}، و کارهای سوررئال ^{۱۹}من ری^{۱۹}، یا خوان فونتکابر^{۲۰} تا...

فیلیپ تولدانو: نگاه کن، همان‌طور که شما می‌گویید، حدس می‌زنم این ترسناک باشد، به خصوص برای افرادی که عکاس خبری هستند. اما برای کسی مثل من، که همیشه از تلاش برای خلق واقعیت لذت می‌برد، فوق‌العاده هیجان‌انگیز است.

فیلیپ تولدانو: دقیقاً. من تصویر دو مرد برهنه را داشتم که در حال کشتی گرفتن در وسط خیابان بودند. یکی از نسخه‌هایی که هوش مصنوعی ساخت، آنها در حال کشتی گرفتن بودند، اما بازوهایشان به هم چسبیده بود. آن تصویر بسیار شگفت‌انگیز است.



شکل ۷. فیلیپ تولدانو، از پروژهٔ آمریکایی دیگر.

جیم کسپر: از زمانی که من شما را می‌شناسم، از طنز سیاه به عنوان راهی برای بررسی برخی مسائل واقعاً جدی استفاده می‌کنید. اما آن چیزهای خنده‌دار در ذهن شما می‌ماند و باعث می‌شود بیشتر به عواقب واقعی فکر کنید، که شاید چندان خنده‌دار نباشد. دوست دارم کمی در مورد نگرانی‌ای که قبلاً ذکر کردید صحبت کنید، که اکنون همه چیز می‌تواند دروغ باشد.

فیلیپ تولدانو: ببینید، من فکر می‌کنم این یک نقطهٔ فوق‌العاده مهم در تاریخ است که ما به زوال حقیقت رسیده‌ایم. اکنون هر دروغی می‌تواند شواهد قانع‌کننده‌ای داشته باشد و این چیزی است که این پروژه نشان می‌دهد:

جیم کسپر: آیا شما هیچ تدبیر حفاظتی در برابر این موضوع می‌بینید؟ آیا فکر می‌کنید مردم می‌توانند آموزش ببینند که بدانند چه زمانی چیزی حقیقی نیست؟

فیلیپ تولدانو: خب، به آمریکا و میلیون‌ها نفری که معتقدند انتخابات، علیرغم شواهد فراوان علیه آن، دزدیده شده است، نگاه کنید. مردم به نسخه خود از تاریخ معتقد هستند و مهم نیست که واقعیت چیست. می‌دانید، شاید برای هوش مصنوعی نوعی واترمارک ایجاد کنیم، اما مهم نیست، زیرا اکنون در واقعیتی هستیم که مردم فقط تاریخ خودشان را انتخاب می‌کنند.



جیم کسپر: چه نوع بازخوردی از این پروژه انتظار دارید؟

فیلیپ تولدانو: من مایلم مردم از ماهیت تاریخی وضعیتی که اکنون در آن قرار داریم، از نظر مرگ حقیقت و سهولت ایجاد تاریخ آگاه باشند و همچنین درباره آینده تفکر کنند: وقتی می‌خواهیم چیزی را ببینیم یا بگوییم که درست است، چه زبانی با یکدیگر به کار می‌بریم؟ این فرایند چطور کار می‌کند؟

جیم کسپر: آیا فکر می‌کنید به کار با دوربین، ادامه خواهید داد؟

فیلیپ تولدانو: خب، من به شما می‌گویم، برای من، همیشه، همه چیز درباره ایده‌ها بوده و احساس می‌کنم هوش مصنوعی برای من ساخته شده است. دیدمش و شروع کردم به بازی کردن با آن. من گفتم: "جل‌الخالق!... هیچ حد و مرزی وجود ندارد!" در گذشته، همیشه مجبور بودم از واسطه‌های زیادی برای ساختن چیزها، برای ساختن دنیاها استفاده کنم که همیشه بسیار گران و به نوعی محدود بود.

شکل ۸. فیلیپ تولدانو، عروس دریایی غول‌پیکر شناور در آسمان. در طول دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، چمن‌زارهای بکر میدولندز^{۲۱} نیوجرسی به محل تخلیه زباله‌های صنعتی، به ویژه نفت و بی‌فنیل‌های پلی‌کلرینه یا پلی‌کلر بی‌فنیل، تبدیل شد. به دلیل فشار بخار کم، بی‌فنیل پلی‌کلرها تمایل دارند در نزدیکی سطح آب تجمع کنند. اما در اوایل دهه ۱۹۵۰، کیفیت هوا در شهر نیویورک و اطراف آن با شاخص کیفیت هوای بیش از ۲۰۰ در بین بدترین‌ها در کشور قرار گرفت. این سطوح بالای آلودگی هوا همراه با مقادیر بی‌فنیل پلی‌کلر موجود در سطح آب، یک ابر سمی ایجاد کرد. این ابر صنعتی سنگین و کم‌ارتفاع، ابرهای عروس دریایی عظیمی را ایجاد کرد که بسته به باد، از هادسن به منهتن می‌رفت. مشاهدات اولیه، نیویورکی‌ها را مسحور کرد. کارمندان دفتر، کنار پنجره‌ها جمع شده بودند. مردم در خیابان‌ها ایستادند و خیره شدند، اما فقط در ابتدا. چون وقتی آن توده وارد ساختمان می‌شد، آن موجود عجیب و در عین حال زیبا و ترسناک منفجر می‌شد و تراوشی لزج از طرفین ساختمان بیرون می‌آمد و گاهی روی عابران می‌ریخت. نیویورک تایمز بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۳، یازده آلودگی را ثبت کرد. آخرینش مربوط بود به انفجار مقابل ساختمان کرایسلر^{۲۲}، که لجن باعث زخمی شدن گروهی از شیرها^{۲۳} شد که برای یک همایش در شهر بودند. متن: جان کینی

روح فوق‌العاده‌ای وجود دارد. من همچنین می‌گویم که کنایه‌آمیز است، مثلاً تصور کنید وقتی عکاسی در دهه ۱۸۵۰ ظهور کرد، همه نقاشان درباره عکاسی چه می‌گفتند؟ انسانیت در آن نبود. هیچ روحی در آن وجود نداشت، زیرا یک دستگاه، عکس‌ها را می‌گرفت. پس دوباره داریم همان حرف را می‌زنیم.

پی‌نوشت‌ها:



شکل ۹. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.

هوش مصنوعی بسیار بی‌حد و مرز است. آمریکایی دیگر به نوعی نشاط‌آفرین است، زیرا شما می‌توانید آزادانه پرسه بزنید و جهان، انگار پایان ندارد. بازگشت صرف به عکاسی، کار کوچکی به نظر می‌رسد.

من فکر می‌کنم بسیاری از مردم، واکنششان این است که بگویند، می‌دانید، یک ماشین این را ساخته است. هیچ انسانیت و روحی در این عکس‌ها وجود ندارد. اما من استدلال می‌کنم در تصاویری که هوش مصنوعی می‌سازد،

یادداشت ویرایشگر انگلیسی‌زبان: این اثر و بسیاری موارد دیگر، در جشنواره عالی عکاسی فست در مونوپولی ایتالیا، از اول سپتامبر ۲۰۲۳ نمایش داده خواهد شد.

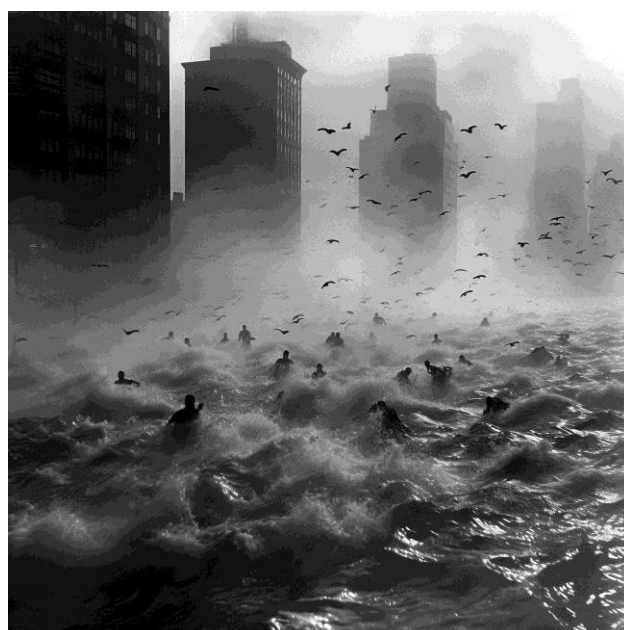
یادداشت مترجم: متن اصلی مصاحبه در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳ منتشر شده و در آن زمان به نمایش آثار در آینده اشاره داشته است.

- ¹ Phillip Toledano
- ² Makeup Artists
- ³ Post-production
- ⁴ Jim Casper
- ⁵ lensculture
- ⁶ Prompt
- ⁷ The United States of Conspiracies
- ⁸ Sittenfeld
- ⁹ Cincinnati Enquirer
- ¹⁰ Floyd Bauer
- ¹¹ Manhattan
- ¹² Planet Fitness
- ¹³ Cheesecake Factory
- ¹⁴ John Kenney
- ¹⁵ Maybe
- ¹⁶ Gandalf
- ¹⁷ Cindy Sherman
- ¹⁸ Gregory Crewdson
- ¹⁹ Man Ray
- ²⁰ Joan Fontcuberta
- ²¹ Meadowlands
- ²² Chrysler
- ²³ Shriners

مأخذ:



شکل ۱۰. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.



شکل ۱۲. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.



شکل ۱۱. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.



شکل ۱۳. فیلیپ تولدانو، از پروژه آمریکایی دیگر.